سلسله غزوات و سرایای رسول الله صلی الله علیه وسلم

اهداف و درس‌هایی از آن



گردآورنده: مؤسسه بنیان



پیشگفتار:

سیره پیامبر اسلام ﷺ سرشار از درس‌ها و عبرت‌هاست و امروزه امت، بیش از هر زمان دیگری نیازمند تأمل در این برهه از تاریخ اسلام است؛ تأمل در حیات نظامی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... بزرگ‌ترین مرد در تاریخ بشریت؛ کسی که تمام لحظات زندگی‌اش را برای رساندن پیام آسمانی از طرف الله صرف نمود و به بشریت ثابت کرد تنها راه نجات و سعادت در دنیا و آخرت، پیروی از تعالیم اسلام آخرین دین آسمانی است.

با توجه به ضعف کنونی مسلمانان در سایه اشغال سرزمینشان از سوی دشمنان و حکمرانی دست نشاندگان غرب در راستای مبارزه با نور اسلام، لازم دانستیم بخش مهم سیره پیامبر اسلام ﷺ که نبردها و غزوه‌های هدفمند ایشان ﷺ بوده را به صورت مختصر به رشته

تحریر درآورده و مهمترین درس‌ها و عبرت‌های آن را ذکر نماییم.
تا به امت اسلام یادآور سازیم پیامبر عزیزمان تا آخرین لحظات زندگی مبارکشان دست از نبرد و پیکار با دشمن برنداشته و جهاد را به عنوان تنها راه مقابله با دشمنان دین و بشریت معرفی نمودند.
امروزه مشاهده می‌کنیم چگونه قدرت‌های جهان، جهاد در راه دفاع از سرزمین‌های اسلامی و تلاش برای بازگرداندن عزت اسلام را تروریسم می‌خوانند اما خودِ آنان برای رسیدن به اهداف شومشان و تسلط بر بشریت و نشر ظلم و فساد از بکارگیری هیچ ابزاری دریغ نمی‌کنند حتی اگر بهای آن قتل و غارت میلیون‌ها نفر باشد.

ما به عنوان امت برحق اسلام حق داریم با توجه به آموزه‌های الهی و در چارچوب شریعت برای احیای عزت دیرینه مسلمانان و برای بازگرداندن عدالت به جهان بشریت در این راه مبارزه کنیم؛ حرکت در مسیر این مبارزه طولانی، نیازمند عمل به سنت‌هایی مشخص است تا در این مسیر دچار افراط و تفریط نگشته و به کسی ظلم نشود.
امید است در این کتابچه مختصر درمورد غزوات و سرایای پیامبر ﷺ و اهداف و درس‌هایی از آن، توانسته باشیم اندکی از وظایفمان را در قبال این دین بزرگ و مسلمانانی که نیازمند بصیرت و آگاهی هستند ادا کرده باشیم.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ قُلْ هَٰذِهِۦ سَبِيلِىٓ أَدْعُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِى ۖ وَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾ ﴾ یوسف: ۱۰۸

ترجمه: (ای پیامبر!) بگو: «این راه من است، من با بصیرت (کامل) به سوی خدا دعوت می‌کنم و کسانی که از من پیروی کردند (نیز چنین می‌کنند) و خداوند پاك ومنزه است، ومن از مشرکان نیستم».

۲۹ شعبان ۱۴۴۳ مصادف با ۱۲ فروردین ۱۴۰۱

مقدمه:

پس از تجاوز و سرکشی مشرکان مکه و بیرون راندن مسلمانان از دیارشان خداوند متعال برای اولین بار در سال دوم هجری جهاد را برای دفع ظلم و عزت بخشیدن به امت اسلام فرض نمود.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ١٩٠﴾ بقره: ١٩٠

ترجمه: و در راه الله با کسانی که با شما می‌جنگند پیکار و جهاد کنید و سرکشی و تجاوز ننمایید زیرا که خداوند متعال متجاوزان را دوست ندارد.

در ابتدای امر، مسلمانان تنها حق داشتند با کسانی که آنان را مورد هجوم قرار می‌دهند بجنگند اما در مراحل بعدی تشریع جهاد، خداوند متعال برای فتح دیگر کشورها و وارد شدن تمامی مردم دنیا به دین با عظمت اسلام و نشر عدالت الهی در زمین، این آیات را نازل فرمود:

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلَّهِۖ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ١٩٣﴾ بقره: ١٩٣

ترجمه: و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای نماند (و شرك و كفر از بین رود) و اگر (از کفرشان) دست کشیدند، پس دشمنی جز برای ظالمان نیست.

در راستای ضربه به قریش، اصلی‌ترین دشمن اسلام، غزوه الأبواء اولین نبردی بود که مسلمانان خود را برای آن مجهز نمودند....

۱. غزوه الأبواء

ماه صفر سال دوم هجری

رسول اللهﷺ در این غزوه به هدف تامین و بررسی محیط اطراف مدینه و شناخت راه‌های مجاور آن همراه تعدادی از مهاجرین از شهر خارج شده و به سمت منطقه (ودان) که در جنوب غربی مدینه قرار دارد حرکت نمودند.

نتیجه: این غزوه بدون هیچ‌گونه درگیری نظامی بین لشکر اسلام و قبائل مجاور مدینه به پایان رسید.

مهم‌ترین دست‌آوردهای سیاسی این جنگ:

۱. اعلام وجود در شبه جزیره عرب از سوی مسلمانان و قادر بودن آنان برای حفاظت از مدینه و محیط مجاور آن.

۲. برقراری معاهده با قبیله بنی ضمره مبنی بر: عدم یاری رساندن به دشمنان اسلام و اگر پیامبرﷺ آنان را به یاری فرا خواند او را یاری دهند و بدین ترتیب جان و مال آنان در امان خواهد بود.

۳. گامی در جهت بستن راه‌های اقتصادی قریش؛ زیرا کاروان‌های تجاری قریش از این مناطق بسوی شام عبور می‌نمودند.

٤. کم کردن دشمنان پیامبرﷺ و دولت جدید اسلام در شبه جزیره عرب؛ با وجود اینکه این قبائل هنوز ایمان نیاورده بودند اما پیامبر اسلامﷺ با چنین فعل هوشمندانه‌ای از پیوستن آنان به دشمن اصلی خود یعنی قریش ممانعت نموده و بر عکس بلکه آنان را با خود هم‌پیمان نمود.

۲. غزوه بواط

ربیع الأول سال دوم هجری

مکان: ۷۰ کلیومتری شمال غرب مدینه

با شنیدن خبر حرکت قافله تجاری قریش به سمت این مکان رسول اللّهﷺ بلافاصله همراه ۲۰۰ تن از مهاجرین به منظور سیطره بر این قافله از مدینه خارج شدند.

این کاروان تجاری شامل ۲۵۰۰ شتر (همراه با کالاهای تجاری) و ۱۰۰ جنگجو به فرماندهی أمیة بن خلف بود.

نتیجه: جاسوسان قریش خبر خارج شدن رسول اللّهﷺ را به فرمانده کاروان ابلاغ نموده و در نتیجه این کاروان با تغییر مسیرش موفق به فرار شد و پیامبرﷺ بدون جنگ به مدینه بازگشتند.

اهداف این غزوه:

۱. جبران خسارت‌های مادی مهاجرین؛ زیرا کفار قریش تمامی اموال مسلمین در مکه را غارت نموده بودند. ۲. محاصره اقتصادی قریش.

مهمترین پیام‌ها و دست‌آوردهای این جنگ:

۱. قادر بودن مسلمانان بر مانور نظامی در دولت نوپای مدینه

۲. تهدید راه تجاری بین مکه و شام، ایجاد رعب و وحشت در بین قریش و ترس از حمله‌های احتمالی آینده.

۳. غزوه العشیرة

جمادی الأول سال دوم هجری

مکان: حدود ۱۲۰ کیلومتری غرب مدینه

در راستای محاصره و فشار اقتصادی قریش، تعدادی از مهاجرین (۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر) به فرماندهی رسول اللّهﷺ به منظور سیطره بر کاروان تجاری قریش به سمت مکانی به اسم العشیره از مدینه خارج شدند.

نتیجه: ابوسفیان با شنیدن خبر هجوم مسلمانان تغییر مسیر داده و توانست مسیرش را به سمت شام ادامه دهد. در نتیجه پیامبرﷺ بعد از ایجاد پیمان با یکی از قبائل این منطقه (بنی مدلج) به سمت مدینه بازگشت.

مهمترین دست‌آوردهای سیاسی این جنگ:

۱. ایجاد پیمان با یکی دیگر از قبائل عرب و در نتیجه خارج نمودن آنان از معادله جنگ و

و کاهش فشار بر دولت جدید مدینه

۲. ایجاد رعب و وحشت در دل کفار قریش که در نتیجه آنان تصمیم گرفتند خود را برای مواجهه بزرگ (غزوه بدر) آماده نمایند. چرا که این گونه پیمان‌ها و ضربه وارد کردن به قافله‌های تجاری مکه (تنها اقتصاد و درآمد این شهر) سبب ضعیف شدن جبهه مکه و در نتیجه تسلیم شدن در مقابل مسلمانان می‌گشت.

٤. غزوه سفوان

جمادی الآخر سال دوم هجری

رسول اللّه ﷺ برای دستگیری کرز بن جابر فهری که همراه مجموعه‌اش به دام‌های اهل مدینه شبیخون زده بود از مدینه خارج شد تا به منطقه‌ای به اسم سفوان رسید و در این غزوه کرز بن جابر توانست فرار کند و جان سالم به در برد.

دیگر سریه‌های رسول اللّه ﷺ قبل از جنگ بدر

سریه: (جنگی که پیامبر ﷺ خودشان حضور نداشتند و یکی از اصحابش را برای فرماندهی جنگ می‌فرستادند.)

ترتیب سریه‌های قبل از بدر:

۱. سریه سیف البحر:

رمضان سال ۱ هجری به فرماندهی حمزه رضی اللّه عنه

مکان: سیف البحر (ساحل دریای سرخ) واقع در غرب مدینه

هدف این سریه: سیطره بر کاروان تجاری قریش به فرماندهی ابو جهل متشکل از ۳۰۰ شخص

نتیجه: پس از صف‌آرایی نیروهای اسلام در مقابل قریش، مجدی بن عمرو الجهنی با میانجی‌گری بین این دو نیرو مانع جنگ شد.

۲. سریه رابغ:

شوال سال ۱ هجری به فرماندهی عبیدة بن الحارث رضی اللّه عنه

مکان: جنوب غرب مدینه واقع در ساحل دریای سرخ

هدف این سریه: سیطره بر قافله تجاری قریش

نتیجه: مانور نظامی و تیراندازی با کمان و عدم وقوع جنگ

۳. سریه خرار:

در ماه ذو القعده سال ۱ هجری به فرماندهی سعد بن أبی وقاص

مکان: جنوب غرب مدینه

هدف این سریه: خبر گرفتن از کاروان تجاری قریش

نتیجه: این سریه زمانی به خرار رسید که کاروان تجاری قریش مکان را ترك کرده بود در نتیجه جنگی صورت نگرفت.

٤. سریة النخلة:

ماه رجب سال دوم هجری به فرماندهی عبد اللّه بن جحش

مکان: بین مکه و طائف با فاصله ٤٨٠ کیلومتری جنوب مدینه

هدف: رصد نمودن قریش و کاروان‌های تجاری آنان

نتیجه: پس از رسیدن صحابه به منطقه نخله در آخرین روز ماه رجب، صحابه با دیدن کاروان قریش تصمیم گرفتند به کاروان یورش برند با وجود اینکه هنوز ماه رجب (ماه حرام) تمام نشده بود.

در نتیجه درگیری یکی از کفار قریش کشته و دو تن از آنان اسیر شدند و صحابه با این کاروان راهی مدینه شدند.

رسول اللّهﷺ بعد از آنکه با خبر شدند که این درگیری در ماه رجب صورت گرفته صحابه را توبیخ نمود و دستور داد تا این دو اسیر و غنائم را به قریش بازگرداند.

خلاصه‌ای از اهداف تمامی سرایا و غزوه‌های رسول اللهﷺ قبل از جنگ بدر:

۱. آشنا نمودن لشکر اسلام با محیط و راه‌های اطراف مدینه

۲. برقراری امنیت در مدینه و محیط اطراف آن (قادر بودن دولت نوپای مدینه برای دفاع از آن)

۳. ایجاد پیمان با قبائل عرب و جدا نمودن آنان از قریش (تمرکز بر کفار قریش به عنوان دشمن اصلی)

٤. آماده نمودن صحابه برای جنگ‌های منظم‌تر و بزرگتر

٥. محاصره اقتصادی کفار مکه

٦. جبران خسارتهای مادی مسلمانان.

٥. جنگ بدر (نبرد فرقان)

۱۷رمضان سال دوم هجری

مکان: چاه‌های بدر حدود ۱٦٥ کیلومتری جنوب مدینه.

هدف از این جنگ: به غنیمت گرفتن و ضربه زدن به قافله تجاری قریش؛ با توجه اینکه درآمد شهر مکه از طریق تجارت تأمین می‌شد رسول اللهﷺ در نظر داشتند آنان را از لحاظ اقتصادی در تنگنا انداخته و از طرفی دیگر توانسته باشند خسارت‌هایی که کافران به اموال مسلمانان در مکه وارد نموده بودند را برای مهاجرین جبران نمایند اما ابوسفیان بعد از خبردار شدن از نقشه مسلمانان تغییر مسیر داد.

شنیدن خبر مجهز شدن پیامبرﷺ کفار قریش را به خروج برای جنگ با مسلمانان واداشت و مسلمان نیز برای مقابله با لشکر کافران قریش بسوی بدر شتافتند.

نتیجه: این جنگ با فرماندهی رسول اللهﷺ، اولین نبرد گسترده بین اسلام و کفر می‌باشد که به پیروزی مسلمانان ختم شد.

۷۰ تن از مشرکین کشته و ۷۰ تن دیگر اسیر شدند.

۱٤ تن از مسلمانان شهید شدند.

مهم‌ترین دست‌آوردهای جنگ بدر:

۱. شکست قریش و کشته شدن بزرگان آن به مثابه‌ی پیامی بزرگ و محکم به دیگر قبائل شبه جزیره عرب بود (دولت مدینه قادر به دفاع از خود در مقابل هر گونه حملات احتمالی است).

۲. خروج انصار؛ قبل از این جنگ رسول الله ﷺ برای هیچ یك از غزوات و سرایای گذشته خواهان خروج انصار نبودند؛ چون آنان متعهد بودند در داخل مدینه از پیامبر ﷺ و یارانش دفاع کنند نه خارج از آن.

اما با خروج انصار و ثابت شدن هر چه بیشتر وفاداری آنان، پیامبر ﷺ توانست در آینده نزدیك لشکری منظم در مقابل دشمن تشکیل دهد.

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. اهمیت شورا در اسلام (رسول الله ﷺ قبل از خروج از مدینه با صحابه مشورت نمود و قبل از شروع جنگ نیز خواستار شنیدن نظر انصار در مورد جنگیدن یا عقب نشینی به مدینه شد؛ و رأی حباب بن منذر مبنی بر تغییر مکان قرارگیری نیروهای مسلمان را پذیرفت).

۲. اهمیت پیگیری اخبار دشمنان اسلام و مطلع بودن از تاکتیك‌های آنان (هنگامی که رسول الله ﷺ دو تن از صحابه را برای پیگیری اخبار کفار قریش به خارج از مدینه روانه نمود و آنان پیامبر را نسبت به قافله ابو سفیان باخبر نمودند).

۳. تواضع پیامبر ﷺ به عنوان رهبر مسلمانان و همراهی آنان در سختی‌ها (به گونه‌ای که همراه علی و ابو لبابه رضی الله عنهما به نوبت سوار یك شتر می‌شد و با وجود اصرار این دو صحابه، از آنان پیشی نمی‌گرفت).

٤. اهمیت عمل به عهد و پیمان حتی اگر این پیمان با کافران باشد (هنگامی که حذیفه را از جنگیدن با کافران در نبرد بدر منع نمود چون حذیفه و پدرش به کافران تعهد داده بودند که در این جنگ شرکت نکنند).

۵. اهمیت دعا و تضرع به درگاه خداوند متعال (با وجود اینکه خداوند به پیامبرش وعده

پیروزی داده بود اما در اثر شدت دعا و تضرع با بلند کردن دست‌های مبارکش رو به آسمان عبای پیامبرﷺ از شانه مبارکشان پایین افتاد.

۶. غزوه بنی سلیم
ماه شوال سال دوم هجری

مکان: قرقرة الکدر حدود ۸۰ کیلومتری جنوب شرق مدینه

هدف از این غزوه: هجوم به تجمع بنی سلیم و غطفان؛ چون این قبائل می‌خواستند به مدینه منوره شبیخون زنند.

نتیجه: رسول اللّهﷺ چند روز بعد از غزوه بدر پس از خبردار شدن از تجمع کفار بنی سلیم و غطفان بر علیه مسلمانان، همراه ۲۰۰ تن از صحابه راهی منطقه قرقرة الکدر (آب‌های بنی سلیم) شد.

دشمنان بعد از شنیدن خبر خارج شدن پیامبرﷺ از مدینه بشدت به وحشت افتاده و با بجا گذاشتن حدود ۵۰۰ شتر از این مکان گریختند.

رسول اللّهﷺ سه روز در این منطقه چادر زدند و سپس به مدینه بازگشتند.

مهم‌ترین دست‌آوردهای این جنگ:

۱. تاکید بر آمادگی لشکر اسلام در مقابل هر گونه هجوم احتمالی به دولت نوپای اسلام؛ (با وجود اینکه تنها یك هفته از جنگ بدر می‌گذشت اما مسلمانان بلافاصله بجای ماندن در مدینه و دفاع از آن، به سمت دشمنان هجوم برده و آنان را غافلگیر نمودند).

۲. تأمین امنیت منطقه شرقی مدینه و گسترش سیطره مسلمانان در این مناطق

۷. غزوه بنی قینقاع
ماه شوال سال دوم هجری

مکان: منازل یهودیان بنی قینقاع واقع در جنوب شرقی شهر مدینه

دلیل این جنگ: خیانت یهودیان بنی قینقاع در عهدی که با پیامبرﷺ بسته بودند؛ بعد از

آزار دادن یکی از زنان مسلمان در بازار بنی قینقاع، فردی مسلمان به آن شخص آزار دهنده هجوم برده و او را کشت و یهودیان نیز بر سر این مسلمان ریخته و او را کشتند.
این واقعه خشم مسلمانان را برانگیخت و سبب شد رسول الله ﷺ با لشکرش آنان را در دژها و خانه‌هایشان محاصره کند این محاصره ۱۵ روز به طول انجامید که سرانجام بنی قینقاع تسلیم شده و با وساطت عبد الله بن أبی (سرکرده منافقین) رسول الله ﷺ به آنان اجازه داد تا مدینه را ترک کرده و سلاح زیادی از خود بر جای بگذرانند.

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. قدرت و سیطره کامل مسلمانان بر اوضاع داخلی مدینه و جلوگیری از هر نوع توطئه و خیانت از سوی یهود و یا منافقین.
۲. خیانت یهود و عدم التزام آنان به عهد و پیمانشان در طول تاریخ.
۳. اهمیت حفاظت از جایگاه زن و منزلت آن در اسلام (زیرا سبب جنگ بی‌احترامی به زنی مسلمان بود).

۸. غزوه السویق

ماه شوال سال دوم هجری

بعد از شکست سنگین قریش در جنگ بدر، ابوسفیان تصمیم گرفت با شبیخون به مدینه، انتقام کشته شدگان بدر را گرفته و هیبت شکسته شده قریش را به آنان بازگرداند.
او با دویست سوارکار به سوی مدینه حرکت کرد و بعد از رسیدن به اطراف شهر مدینه، ملاقات مخفیانه‌ای با یهودیان بنی نضیر ترتیب داد تا در نحوه انتقام از پیامبر ﷺ و یارانش با آنان مشورت کند.
در نتیجه به منطقه‌ای به نام (العریض) هجوم برده و دو نفر از مسلمانان را شهید و برخی از درخت‌های نخلستان آنجا را آتش زدند.
رسول الله ﷺ با شنیدن این خبر، بلافاصله با دویست تن از مهاجرین و انصار؛ ابوسفیان و یارانش را تعقیب نمودند اما آنان فرار کرده و جان سالم بدر بردند.

در طول مسیر، ابوسفیان همراه یارانش غذای خود را که سویق نام داشت (نوعی از خوراکی) دور انداختند تا بتوانند بر سرعت خود بیفزانند. لذا این غزوه به غزوه سویق معروف است.

رسول اللّهﷺ بعد از پنج روز همراه یارانش به مدینه بازگشتند.

۹. غزوه بحران

ماه ربیع الأخر
و جمادی الأولی سال ۳ هجری

بعد از شنیدن خبر گردهمایی بنی سلیم برای شبیخون زدن به مدینه، رسول اللّهﷺ همراه سیصد تن از مسلمانان بسوی منطقه بحران (در مسیر جنوب مدینه به سمت شهر مکه) به هدف جنگ با این قبیله از مدینه خارج شدند.

زمانی که ایشان به بحران رسیدند قبیله بنی سلیم از جنگ منصرف و متفرق شدند و ایشان نیز پس از ده شب اقامت در آنجا، بدون جنگ به مدینه بازگشتند.

بار دیگر رسول اللّهﷺ با زیرکی، هوشیاری و سرعت عملشان در مقابل نیرنگ دشمنان اسلام، ثابت نمودند که دولت نوپای مدینه همیشه در حالت آماده باش بوده و آماده مقابله با هرگونه جنگ احتمالی‌ست.

امری که هیبت و شکوه قبائل مشرك در شبه جزیره عرب را در هم کوبیده بود.

۱۰. غزوه احد

ماه شوال سال سوم هجری

مکان: کوه احد نزیکی شهر مدینه

اسباب جنگ احد: شکل‌گیری دولت اسلامی مدینه، شکست در بدر و هجوم پی در پی به کاروان‌های تجاری قریش از لحاظ دینی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ضربات سختی به آنان وارد ساخت.

سبب دینی: کفار قریش هرگز راضی نبودند مردم بت پرستی را ترك و به اسلام روی آوردند

و در نتیجه روز به روز به تعداد یاران رسول اللهﷺ افزوده شود.

سبب اقتصادی: هدف قرار دادن کاروان‌های تجاری قریش آنان را از لحاظ اقتصادی محاصره نموده بود لذا تصمیم قاطعی گرفتند تا با بکار گرفتن تمامی نیرویشان دولت مدینه را برای همیشه نابود سازند.

سبب اجتماعی: با کشته شدن بزرگان قریش در جنگ بدر حس ذلت و خواری به آن دست داده بود. لذا مصمم بودند که این ذلت و خواری را به هر نحوی از چهره‌شان بزدایند.

سبب سیاسی: شکست‌های سابق، مکانت و جایگاه گذشته قریش در نزد قبائل شبه جزیره عرب را زیر سؤال برده بود؛ لذا جنگی که آنان را به مکانت قبلی‌شان بازگرداند برایشان سرنوشت ساز تلقی می‌شد.

در نتیجه قریش با حدود ۳۰۰۰ جنگجو با رسیدن به کوه‌های احد برای جنگ در مقابل لشکر ۷۰۰ نفری مسلمانان صف‌آرایی نمودند.

لشکری که در ابتدای خروج ۱۰۰۰ نفر بودند، اما با توطئه سر دسته منافقین (عبد الله بن ابی) سیصد تن از آنان به مدینه بازگشته و از جنگ منصرف شدند.

نتیجه جنگ: رسول اللهﷺ با گذاشتن پنجاه تن از کمانداران به فرماندهی عبدالله بن جبیر بر روی (کوه عینین) در نظر داشت مانع هرگونه التفاف و دور زدن کوه احد از سوی مشرکین گردد تا بدین وسیله در محاصره لشکر قریش نیفتاده و قدرت مناوره از آن مسلمانان باشد. ایشانﷺ به کمانداران تاکید کردند که به هیچ وجه جایگاهشان را ترک نکنند حتی اگر شکست مسلمانان را مشاهده کنند.

خالد بن ولید که در آن زمان هنوز مسلمان نشده بود فرمانده سوارکاران قریش بود که قصد داشت با دور زدن کوه احد مسلمانان را محاصره کند. اما هر بار تیراندازان با شلیك کمان بسوی آنان مانع تحرکشان می‌شدند.

با شروع جنگ، مسلمانان به خوبی توانستند به لشکر دشمن ضربه زده و آنان را وادار به عقب نشینی کنند و مسلمانان خیال کردند که جنگ تمام شد و طمع در غنیمت جنگی بسیاری از کمانداران را به ترك جایگاه‌هایشان وادار نمود.

در نتیجه خالد بن ولید با غنیمت شمردن موقعیت توانست کوه احد را دور زده و مسلمانان را در محاصره قرار دهد، با اوج گرفتن دوباره جنگ حدود هفتاد تن از مسلمانان از جمله

حمزه رضی الله عنه شهید شده و شایعه شد که رسول الله ﷺ نیز شهید شده‌اند.
این امر سبب شد مسلمانان روحیه جنگی را از دست داده و متفرق شوند.
ایشان ﷺ با اعلان وجود و مبارزه‌ای طاقت‌فرسا به سختی توانستند لشکر اسلام را از تلفات بیشتر نجات داده و به بلندی‌های کوه احد عقب نشینی کند.
در نتیجه جنگ بدلیل نافرمانی از پیامبر ﷺ به سود کفار به پایان رسید.

مهم‌ترین درس‌های جنگ احد:

۱. شجاعت و همت والای لشکر اسلام؛ فراوانی دشمن و توطئه منافقان برای ضربه زدن به جبهه داخلی، آنان را از مواجهه با دشمن باز نداشت.

۲. خطر وجود منافقین در میان یك لشکر اسلامی؛ آنان با سر دادن ندای ای مردم یثرب شما قدرت پایداری در این جنگ را ندارید، یك سوم لشکر را از جنگ منصرف نمودند.

۲. رسول الله ﷺ فرمانده جنگی بی‌نظیری بود (تاکید وی بر عدم پایین آمدن از کوه)؛ زیرا ایشان به خوبی می‌دانستند این امر سبب شکست مسلمانان خواهد بود.

۳. عواقب نافرمانی از فرامین خداوند و رسولش ﷺ ؛ عاقبت این نافرمانی فقط عائد نافرمانان نشد بلکه به تمامی لشکر اسلام ضربه زد؛ که در نتیجه آن هفتاد تن از مسلمانان از جمله حمزه رضی الله عنه عموی پیامبر ﷺ شهید و منجر به عقب نشینی لشکر شد.

٤. این جنگ امتحانی بود از جانب خداوند متعال؛ تا راستگویان از منافقان جدا شوند.

٥. اگر مسلمانان در تمامی جنگ‌ها پیروز می‌شدند اهل باطل (کافران و منافقان) هرگز در مقابل حق قد علم نمی‌نمودند! این سنت شکست و پیروزی تا قیامت باقی خواهد ماند تا باطل بصورت تدریجی به قتل‌گاه خود کشیده شود و مسلمان ثابت قدم، پیروز حقیقی در دنیا و آخرت باشد.

۱۱. غزوه حمراء الأسد

ماه شوال سال سوم هجری

مکان: واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب مدینه

سبب این جنگ: بلافاصله بعد از جنگ احد عده‌ای از رهبران مشرکین (در مسیر بازگشت به

مکه) در صدد آن بر آمدند تا از ضعف مسلمانان استفاده کرده و به مدینه یورش برند و برای همیشه به دولت اسلام خاتمه دهند.

رسول اللهﷺ با احساس این خطر پیش قدم شده و برای تقویت روحیه صحابه و دور کردن ترس و دلهره از وجودشان و نشان دادن قوت مسلمانان برای دفاع از خود، همراه جنگجویان حاضر در غزوه احد، مدینه را به قصد تعقیب سپاه مشرکین ترک کردند.

نتیجه این جنگ: رسول اللهﷺ با هوشیاری هر چه تمام قبل از شروع جنگ با دیدن معبد بن ابی معبد خزاعی (از بزرگان قبیله خزاعه) که در مسیر مکه حرکت می‌کرد، تلاش کردند به روحیه دشمن ضربه وارد کنند؛ ایشان به معبد فرمودند ای معبد به ابو سفیان ملحق شو و او را از ما بترسان.

معبد پس از رسیدن به ابو سفیان به او گفت: محمد (ﷺ) با جمعی بزرگ از یارانش و حتی کسانی که در جنگ احد حضور نداشتند به سوی شما روانه هستند تا شکست احد را جبران کنند و آنان چنان از شما خشمگین هستند که چنین چیزی را هرگز ندیده‌ام؛ ابوسفیان گفت آنان را نابود می‌کنیم، معبد فرمود: چنین نکن... نصیحتم را بپذیر.

ابو سفیان نیز با دیدن کاروانی که در مسیر مدینه حرکت می‌کرد از آنان خواست تا به رسول اللهﷺ إبلاغ کنند که لشکر قریش برای نابودی مسلمانان در حرکت است؛ اما مسلمانان از این خبر متأثر نشدند بلکه به ایمان و توکلشان افزوده شد.

در نتیجه سپاه دشمن با شنیدن سخنان معبد دچار چند دستگی، ترس و وحشت شدند و بالأخره تصمیم گرفتند هر چه زودتر به مکه بازگردند.

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. اهمیت فرمانبرداری از رهبران برای دفاع از دین و واجب بودن آن حتی در سخت‌ترین شرایط؛ صحابه با وجود سختی جنگ احد و زخم‌های بهبود نیافته‌شان بلافاصله به دعوت پیامبر برای جنگ دوباره لبیك گفتند.

۲. اهمیت جنگ روحی و روانی در نبردها؛

الف: رسول اللهﷺ با وجود بازگشت تازه از نبرد احد و خستگی طاقت‌فرسا اجازه نداد دشمن از ضعف روحیه مسلمانان استفاده کند. امری که چه بسا سبب شکست همیشگی مسلمانان می‌شد.

ب: می‌توان گفت سخنان معبد سبب اصلی منصرف شدن کفار از جنگ بود.

۳. سرعت عمل پیامبرﷺ به دشمنان اسلام نشان داد مسلمانان همواره آماده دفاع از مدینه هستند امری که نه تنها قریش بلکه دیگر رقبای مدینه آن را به خوبی درك نمودند.

۱۲. غزوه بنی نضیر

ربیع الأول سال چهار هجری

مکان: منازل قبیله یهودی بنی نضیر، واقع در قسمت جنوبی شهر مدینه

سبب این جنگ: تلاش بنی نضیر برای ترور پیامبرﷺ

نتیجه این جنگ: هنگامی که رسول اللّهﷺ از پیمان شکنی‌های بنی نضیر آگاه شد، محمد بن مسلمه را به سوی آنان روانه ساخت؛ او به آنان دستور داد تا بخاطر خیانتشان از مدینه خارج شوند؛ آنان هیچ چاره‌ای جز خارج شدن از مدینه نداشتند و وقتی که آماده ترك کردن مدینه بودند سرکرده منافقین "عبد اللّه بن ابی" توسط پیکی به آنان گفت: خارج نشوید و مقاومت کنید اگر با شما جنگیدند ما هم به یاری شما می‌شتابیم. حیی بن أخطب رهبر بنی نضیر با طمع در وعده منافقین به پیامبرﷺ ابلاغ نمود که ما خارج نمی‌شویم هر چه را دوست داری انجام بده.

پیامبرﷺ با شنیدن این خبر آنان را محاصره کرد و بعد از ٦ روز مقاومت در دژهایشان، ناگزیر تن به تسلیم داده و پیامبر اجازه داد تا همراه زن و فرزندانشان از مدینه خارج شوند و آن دسته از وسایلشان که با شتر قابل حمل می‌باشد (به جز سلاح) با خود از مدینه خارج کنند.

آنان با دست‌های خودشان خانه‌هایشان را ویران می‌کردند تا بتوانند برخی از لوازم مانند پنجره و... با خود حمل کنند تا این وسایل عاید مسلمانان نگردد. دو نفر از آنان مسلمان و دسته‌ای از آنان راهی شام شدند.

در نتیجه زمین‌ها و دژهایشان را برای مسلمانان به جای گذاشتند.

جنگ بنی نضیر درس‌های زیادی در بردارد تا جایی که خداوند متعال سوره حشر را در شأن این واقعه نازل نمود. نام دیگر این سوره، سوره بنی نضیر است.

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. ملتزم نبودن یهود به عهدها و پیمان‌هایشان چنانچه این امر در قرآن کریم و در سیره رسول اللهﷺ و در طول تاریخ به وضوح نمایان است.

۲. خطر وجود منافقین در بین مسلمانان و آثار شوم آن در جامعه اسلامی.

۳. مکر و حیله، دامن‌گیر صاحبش می‌شود؛ همانگونه که به پیامبرﷺ خیانت نمودند منافقین نیز به آنان خیانت کردند.

۱۳. غزوه بدر الموعد (بدر صغری)

ماه شعبان سال چهارم هجری

مکان: منطقه بدر (در فاصله تقریبی ۱۶۵ کیلومتری جنوب شرق مدینه منوره)

سبب این جنگ: در پایان جنگ احد هنگامی که ابو سفیان از زنده بودن رسول اللّهﷺ آگاه شد فریاد برآورد: وعده جنگ بعدی ما سال آینده در منطقه بدر؛ رسول اللّهﷺ به صحابه دستور داد در جوابش بگویند: آری، این مکان وعده‌گاه رویایی ما.

نتیجه: ابوسفیان در آن سال قصد آمدن به جنگ را نداشت و از دلایل عمده آن خشکسالی و ترس از شکست بود؛ او در جنگ احد پیروز میدان بود و مردم تا حدی بخاطر شکست مسلمانان آتش کینه‌شان خوابیده بود لذا ابوسفیان راضی نبود خوشی پیروزی احد (به فرماندهی او) تبدیل به سوگی دیگر شود.

او با کسب رضایت نسبی قریش، تصمیم گرفت تا با تحریك نعیم بن مسعود، مسلمانان را از آمدن به بدر باز دارد تا آبروی خود را حفظ کند و قبائل عرب نگویند قریش از ملاقات با مسلمانان ترسید.

ابو سفیان با نعیم بن مسعود که برای انجام مناسك حج به مکه آمده بود، ملاقات کرد و از او خواست تا به مدینه برود و روحیه مسلمانان را تضعیف کند و به آنان بگوید که ابوسفیان همراه لشکر بی‌شماری در راه است و هیچ کس طاقت مقابله با او را ندارد، او به نعیم وعده داد در صورت منصرف شدن مسلمانان به او بیست شتر خواهد بخشید.

نعیم بن مسعود با شتری که برایش فراهم شده بود، شتابان خود را به مدینه رساند و

طبق قرار خود با ابوسفیان، مسلمانان را از سپاه قریش ترساند. منافقین و یهود از این مطلب خوشحال شدند و گفتند: محمّد این بار جان سالم به در نمی‌برد.

این شایعه‌ها در بین مسلمانان تردیدهایی به وجود آورد اما ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نزد رسول اللّهﷺ آمدند و گفتند ای رسول اللّه، خداوند دینش را پیروز می‌کند و به پیامبرش عزت می‌بخشد ما با آنان قرار گذاشته‌ایم اگر به این وعده عمل نکنیم گمان می‌کنند ترسیده‌ایم، پس به وعده‌مان عمل کنیم و خیر در این است. رسول اللّهﷺ با شنیدن این نظر خوشحال و برای لشکر کشی مصمم شدند.

زمانی که ابوسفیان از جدیت پیامبر صلی اللّهﷺ باخبر شد لشکرش را از ادامه مسیر بازداشت و گفت: امسال خشك‌سالی هست و برای جنگ مناسب نیست. من برمی‌گردم پس شما نیز برگردید.

لشکر اسلام به فرماندهی رسول اللّهﷺ هشت روز در بدر اردوگاه زده و منتظر قریش ایستاد اما با شنیدن عقب نشینی قریش سرافراز و پیروز به مدینه بازگشت.

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. متوسل شدن به شایعه پراکنی از ابزار دیرینه دشمن برای تضعیف روحیه مسلمانان است.

۲. وفا کردن به وعده حتی اگر در سخت‌ترین شرایط باشد؛ (اگر قریش ثروتمند از خشك سالی بیم داشت برای مسلمانان مدینه که منبع اصلی اقتصاد آنان کشاورزی بود، شرایط سخت‌تر بود).

۳. داشتن مشاورانی غیور و خیرخواه از اسباب موفقیت یك فرمانده است (یاران وفادار پیامبر ﷺ در تشویق او و مردم مدینه درباره عدم توجه به شایعه پراکنی‌ها از اسباب جدیت نشان دادن هر چه بیشتر پیامبر ﷺ برای لشکرکشی بودند).

٤. بازگشت اعتبار دوباره به دولت اسلام و شکست اعتبار دشمن.

۱٤. غزوه دومة الجندل

ماه ربیع الاول سال پنجم هجری

مکان: ٦٠٠ کیلومتری شمال مدینه منوره (مناطق حدودی بین شام و حجاز)

سبب این جنگ: برخی از قبائل عرب به قصد ضربه به کاروان‌های تجاری که راهی شام می شدند گرد هم آمده و نیز تصمیم گرفتند تا خود را برای شبیخون زدن به مدینه مجهز سازند.

رسول الله ﷺ با شنیدن این خبر هزار تن از صحابه را مجهز ساخت تا به سوی این منطقه حرکت کنند.

ایشان فردی به اسم "مذکور" را بعنوان راهنما با خود همراه نمود و از او خواست راهی را انتخاب کند که دشمن متوجه حرکت لشکر اسلام نشود.

لشکر مسلمانان در این راه طولانی که ١٥ الی ١٦ روز طول کشید شبانه حرکت و در طول روز توقف می‌کرد تا دشمن از حرکت آنان باخبر نگردد.

رسول الله ﷺ با نزدیك شدن به این منطقه توانست این قبائل را غافلگیر کند؛ آنان با شنیدن خبر رسیدن لشکر اسلام پا به فرار گذاشتند و تمامی تجهیزات خود را برای مسلمانان بجا گذاشتند.

با فرار دشمن، پیامبر اسلام ﷺ در این منطقه به مدت چند روز چادر زده و تحرکات مشرکین را تحت نظر قرار دادند و زمانی که از متفرق شدن این قبائل اطمینان حاصل کردند با پیروزی به سوی مدینه بازگشتند.

مهم‌ترین دست‌آوردهای این جنگ:

١. تامین و توسعه حوزه استحفاظی مدینه منوره (سکوت در مقابل این تجمع چه بسا در کوتاه مدت ضرر آن چنانی متوجه مسلمانان نمی‌ساخت اما در آینده حداقل مانعی در مسیر تجارت آنان می‌شد و اقتصاد مدینه را فلج می‌ساخت).

٢. محروم کردن قریش از هر گونه هم‌پیمان و یا کسانی که در جهت منافع آنان بتوانند به مسلمانان ضربه وارد کنند.

٣. رسیدن دعوت اسلام به مرزهای شام و شناخت طبیعت جغرافیایی و اجتماعی آن مناطق، پیامی برای قبائل هم پیمان با امپراطوری روم تلقی می‌شد امری که در آینده سبب تحرك این امپراطوری برای مقابله با سپاه اسلام شد.

۱۵. غزوه خندق (احزاب)

ماه شوال سال ۵ هجری

مکان: مدینه منوره

سبب این جنگ: زمانی که رسول اللهﷺ یهودیان بنی نضیر را بخاطر پیمان شکنی هایشان از مدینه اخراج نمود آنها تلاش نمودند برای انتقام از مسلمانان، قبایل عرب را قانع کنند تا برای نابودی اسلام به مدینه منوره هجوم برند. در نتیجه قبایلی مانند قریش و هم پیمانانشان (قبیله کنانه)، غطفان و (قبایل بنو أسد و سلیم) و دیگر قبایل باحدود ده هزار جنگجو روانه مدینه شدند. رسول اللهﷺ بعد از آنکه این خبر را شنید بلافاصله بزرگان صحابه را برای مشورت فرا خواند. برخی پیشنهاد کردند که به شیوه ی قلعه داری از یثرب دفاع کنند یعنی از بالای درها و نقاط بلند با دشمن نبرد کنند. سلمان فارسی رضی الله عنه که با شیوه های جنگ ایرانیان آشنایی داشت به ایشان فرمود: ای رسول خدا در سرزمین فارس اگر از انبوه دشمن بیم داشتیم برای مقابله با دشمن خندق میزدیم شما نیز خندق بزنید! رسول الله ﷺ با شنیدن این رای حکیمانه بسیار خوشحال شد تا جایی که فرمود سلمان جزو اهل بیت من است. منطقه شمالی شهر به عنوان صحنه نبرد خندق و محل حفاری انتخاب شد زیرا آنجا تنها ضلع باز به طرف مدینه بشمار می‌آمد اما زاویه های دیگر (از طرف شرق و غرب) توسط موانع طبیعی صعب العبور و درخت‌های انبوه احاطه شده بود تا جایی که نیروهای دشمن نمی‌توانستند از آن جهت‌ها وارد شهر شوند. و در طرف جنوبی مدینه تنها زوایه باز از طرف قبیله بنی قریظه بود که آنان با مسلمانان عهد داشته و حق خیانت نداشتند در نتیجه مکلف بودند به هیچ وجه درب قلعه‌های خود را بر روی نیروهای دشمن باز نکنند. کار کندن خندق با شتاب آغاز شد: کندن هر ناحیه‌ای از خندق به یك گروه از مسلمانان واگذار گردید و مسلمانان تا قبل از رسیدن دشمن تمام منطقه مذکور که حدود ٥,٥٤٤ متر بود خندق زدند.

لشکر دشمن با رسیدن به دروازه‌های مدینه و دیدن خندق بسیار غافلگیر شد. آنان بسیار تلاش نمودند تا مکانی برای نفوذ به مدینه بیابند اما تلاششان نتیجه‌ای نداشت در نتیجه تصمیم گرفتند با ادامه محاصره مدینه مسلمانان را وادار به تسلیم کنند. آنان با دیدن

هوشیاری مسلمانان و نگهبانی سرسختانه آنان از خندق و اطراف مدینه برای جلوگیری از هر گونه نفوذ احتمالی به فکر راضی کردن یهودیان بنی قریظه افتادند تا با باز کردن تنها راه نفوذی بتوانند مسلمانان را غافلگیر کنند. دشمن با فرستادن "حیی بن اخطب" رهبر یهودیان بنی نضیر موفق شدند بعد از رایزنی با رهبر بنی قریظه "کعب بن اسعد" او را راضی کنند تا دروازه‌هایشان را برای احزاب بگشایند.

شایعاتی در مورد خیانت بنی قریظه در مدینه منتشر شد تا جایی که پیام آوران پیامبرﷺ، سعد ابن معاذ و سعد بن عباده آن را تایید کردند. این موضوع نگرانی مسلمانان را برانگیخت. زیرا این به معنای فروپاشی یکی از نقاط دفاعی مدینه بود. بنابراین پیامبرﷺ نعیم بن مسعود" یکی از بزرگان غطفان که به طور مخفیانه به اسلام گرویده بود را برای به هم زدن نقشه اتحاد بنی قریظه و دیگر دشمنان به طرف بنی قریظه روانه ساخت. نعیم نزد بنی قریظه رفت و به آنها توصیه کرد که در جنگ با مسلمانان شرکت نکنند مگر اینکه قریش و هم پیمانانش گروگان‌هایی از میان رهبران خود به آنها تحویل دهند؛ او آنان را قانع کرد که اگر احزاب شکست بخورند در مقابل رسول الله ﷺ تنها می‌مانند و وی آنان را نابود می‌کند. در نتیجه سران بنی قریظه پیشنهاد او را پذیرفتند.

او سپس به طرف احزاب شتافت و به آنها نیز هشدار داد که بنی قریظه از تصمیمشان پشیمان شده‌اند و می‌خواهند از شما گروگان بگیرند و آنها را به مسلمانان تحویل دهند. هنگامی که نمایندگان قریش و غطفان نزد بنی قریظه آمدند و در جنگ خواستار پشتیبانی شدند، بنی قریظه از آنان خواست تا گروگان تحویلشان دهند. فرماندهان احزاب از این درخواست امتناع ورزیدند و مذاکرات آنان به شکست انجامید.

با گذشت بیش از سه هفته از محاصره سرسختانه مدینه در نهایت خداوند متعال نصرتش را نازل فرمود و با ایجاد تفرق و دودستگی در میان دشمن، لشکری از باد فرستاد که خیمه ها را از جا برکند و دیگ‌ها را بر هم زد و واژگون نمود و طناب خیمه‌ها را پاره ساخت و آرام و قرار را از دشمنان گرفت. و لشکری از فرشتگان فرود آمدند تا در دل کفار بیم و هراس افکنند.

پیامبرﷺ در همان شب بسیار سرد، حذیفه را فرستاد که جویای اخبارشان شود حذیفه آنان را در حالتی دید که آماده کوچ کردن هستند. نزد پیامبر بازگشت و فرار قریش و غطفان را

خبر داد. پیامبرﷺ شب را سپری کرد و دید خداوند دشمنان را با دست خالی و با کینه و حسرت درونی، از سرزمین مدینه بیرون رانده است.

درس‌هایی از جنگ خندق:

۱. شکست خوردن بزرگ‌ترین لشکر دشمن در شبه جزیره عرب در مقابل مسلمانان (امری که باعث نا امیدی دشمنان از پیروزی در مقابل پیامبر ﷺ شد تا جایی که رسول اللّهﷺ فرمودند: از این پس ما به سوی آنان هجوم می‌بریم نه آنان به سوی ما)

۲. برای پیروزی، تمسك به اسباب شرعی (مانند: ایمان به خداوند و پیامبرش و اجرای فرامین الهی) به تنهایی کافی نیست بلکه مسلمانان برای پیروزی بر دشمنان به اسباب کَونی نیز باید تمسك جویند (کندن خندق با لطف خداوند یکی از اصلی‌ترین اسباب شکست دشمن بود؛ در نتیجه باید مسلمانان امروزه به پیشرفت در تکنولوژی اهتمام ویژه‌ای ورزند تا بتوانند با مکر و حیله دشمنان مقابله کنند).

۳. ظهور منافقان در شرایط سخت؛ منافقان با دیدن دشمن (همان‌گونه که خداوند در سوره احزاب به این امر اشاره فرموده است) مشغول شایعه پراکنی و ایجاد تفرقه بین مسلمانان می‌شوند و با این کارشان به دشمن یاری می‌دهند.

٤. مسلمان حقیقی در هنگام سختی امیدش به خداوند بیشتر و ایمانش قوی‌تر می‌شود همانگونه که آیات سوره احزاب بدین امر اشاره دارد (صحابه در این جنگ و محاصره سخت‌ترین روزها را به چشمشان دیدند اما از ایمان و رسالتشان دست نکشیدند.)

٥. خیانت یهود در طول تاریخ (قبیله بنی قریظه نیز مانند دیگر قبایل یهود با شکستن عهد و پیمانشان به مسلمانان خیانت کردند.)

٦. نبوغ پیامبرﷺ در اداره جنگ (ایشان با فرستادن نعیم بن مسعود به سوی دشمن، تنها امیدشان که همکاری بنی قریظه با آنان بود را از آنان گرفت.)

۷. حرص پیامبرﷺ بر مشورت با صحابه (با وجود اینکه ایشان از جانب خداوند تایید و یاری می‌شدند اما با عملی کردن مفهوم "شورا" به امتشان آموختند که هرگز از این امر مهم دریغ نورزند.)

۸. مشارکت پیامبرﷺ برای کندن خندق دال بر تواضع ایشان است؛ رهبران مسلمانان باید بدانند که برای تاثیر گذاشتن بر پیروانشان باید در خدمت به مسلمانان و دفاع از آنان

پیش‌قدم باشند.

۹. با وجود اینکه پیامبر ﷺ بر هدایت قریش حریص بودند اما آنان تمامی دشمنان را بر ضد دولت مدینه بسیج کردند. (جهان کفر، اسلام را تهدیدی در مقابل خواسته‌هایشان می‌داند لذا تا مسلمانان تسلیم خواسته‌ها و شهواتشان نشوند از آنان راضی نخواهند شد.)

۱۶. غزوه بنی قریظه

سال پنجم هجری، پس از جنگ احزاب

مکان: مدینه منوره قلعه‌های بنی قریظه سال ۵ هجری

دلیل این جنگ:

خیانت یهودیان قبیله بنی قریظه در جنگ خندق در حق عهد و پیمانی که با پیامبرﷺ بسته بودند؛ همانگونه که در جنگ خندق به آن اشاره شد با تلاش احزاب، قبیله بنی قریظه راضی شدند که دروازه‌های خود را (تنها راه نفوذ به مدینه) برای احزاب بگشایند.

نتیجه این جنگ:

رسول الله ﷺ بلافاصله بعد از جنگ خندق جنگجویان اسلام را به سوی قلعه‌های بنی قریظه روانه ساخت. سرانجام بعد از ۲۵ روز محاصره، ترس وجودشان را فرا گرفت و راضی شدند تا سعد بن معاذ در حق آنان حکم کند.

سعد بن معاذ چنین در موردشان حکم کرد: جنگجویان بنی قریظه کشته شوند و اموال، زنان و کودکانشان به مسلمانان داده شود.

حکم سعد بن معاذ در حق آنان اجرا شد و تنها چهار نفر از آنان قبل از تنفید حکم به اسلام گرویده و رها شدند.

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. عدم تعهد یهود به هیچ یك از پیمان‌هایشان در طول تاریخ

۲. تعهد مسلمانان در قبال پیمانشان با یهود و دیگر دشمنان؛ با وجود شدت دشمنی یهود با مسلمانان اما هرگز پیامبرﷺ و صحابه پیمانشان را نقض نکردند بلکه یهودیان همیشه پیمان‌شکن بوده‌اند.

۳. پاکسازی مدینه از جبهه‌های قدرتمند داخلی که از آنان بوی خیانت به مشام می‌رسید و

سیطره کامل بر اوضاع داخلی.

٤. اخلاق نیکوی اسلام در جنگ؛ هرگز مسلمانان کودکان و زنان کفار را قتل عام نمی‌کردند بلکه در شریعت اسلامی از کشتن زنان و کودکان و سالخوردگان نهی شده است.

١٧. غزوه بنی مصطلق (مریسیع)

سال ٦ هجری ماه شعبان

مکان: واقع در حدود ١٢٠ کیلومتری شمال شهر مکه کنار آب‌های مریسیع

دلیل این جنگ: هجوم به تجمع قبیله بنی مصطلق به رهبری حارث بن أبی ضرار، زیرا قصد داشتند به مدینه شبیخون زنند.

نتیجه این جنگ: زمانی که پیامبرﷺ از تجمع قبیله بنی مصطلق خبردار شدند بلافاصله صحابه را برای غافلگیر کردن دشمن در زمیشان آماده ساخت؛ پیامبرﷺ همراه هزار تن از صحابه از مدینه خارج شدند و هنگامی که به آب‌های مریسیع رسیدند دشمن غافلگیر شد و اکثرشان پا به فرار گذاشتند؛ اما عده‌ای از آنان مقاومت نموده و به سوی مسلمانان تیراندازی کردند؛ در نتیجه این جنگ کوتاه‌مدت، ١٠ تن از دشمنان کشته شده و ٢٠٠٠ شتر و ٥٠٠٠ گوسفند از آنان به غنیمت گرفته شد.

مهم‌ترین درس‌های این نبرد:

با وجود اینکه این جنگ از نبردهای بزرگ سیره پیامبرﷺ شمرده نمی‌شود اما به دلیل وقایعی که در مسیر این جنگ روی داده است از اهمیت خاصی برخوردار است.

١. آشکار شدن چهره حقیقی منافقین و به خصوص عبدالله بن ابی رهبر آنان؛ (عبد الله بن ابی و برخی از یارانش با استفاده از اختلاف کوچکی در بین فردی از انصار و فردی از مهاجرین بر سر تقسیم آب، سعی داشتند آنان را بر ضد یکدیگر بشورانند؛ عبد الله بن ابی با فروکش شدن اختلاف خشمگین شد و گفت: آنان که عزیز (و قدرتمند) هستند ذلیلان را از مدینه خارج خواهند کرد! {آیه ٨ سوره منافقون}؛ منظور او از ذلیلان، پیامبرﷺ و یارانش بود؛ فرزند او عبدالله رضی الله عنه با شنیدن این سخن به شدت با پدرش برخورد کرد و گفت اجازه نمی‌دهم وارد مدینه شوی تا نگویی که تو ذلیل هستی و رسول اللهﷺعزیز!

رسول اللّهﷺ با شنیدن این خبر از فرزند عبداللّه بن ابی خواست تا از پدرش گذشت کند).
۲. بهبود هرچه بیشتر وضعیت امنیتی مسلمانان به گونه‌ای که هیبت مسلمانان در شبه جزیره عرب، بیش از پیش شد.
۳. بهبود وضعیت اقتصادی مسلمانان؛ غنایم جنگی از یك سو و از سوی دیگر گسترش حوزه استحفاظی مسلمانان به آنان اجازه می‌داد تا به راحتی برای تجارت در شبه جزیره عرب تحرك داشته باشند.
٤. روابط دیپلماتیك با بسیاری از قبایل عرب و دور نگه داشتن آنان از قریش؛ با گسترش حوزه استحفاظی مدینه منوره بسیاری از قبایل ترجیح می‌دادند با رسول اللّهﷺ هم‌پیمان شوند یا حداقل از پیمان با قریش بر ضد دولت اسلام کناره‌گیری کنند. (لازم به ذکر است اسلام آوردن حارث بن ابی ضرار رهبر بنی مصطلق و ازدواج رسول اللّهﷺ با دختر ایشان جویریه که در بین اسیران جنگی بود، باعث ایجاد ارتباط نزدیك پیامبرﷺ با قبیله بنی مصطلق و دیگر قبائل موجود در شمال مکه شد.)

۱۸. غزوه حدیبیه

سال ٦ هجری ماه ذی القعده

مکان: حدیبیه واقع در ۲۲ کیلومتری غرب شهر مکه

رسول اللّهﷺ در خواب دیدند که ایشان به همراه صحابه گرانقدر (رضی اللّه عنهم) در حال ادای مراسم حج وارد مسجد الحرام می‌شوند؛ با توجه به اینکه آنچه پیامبران در خواب می بینند حق است ایشان تصمیم گرفتند برای ادای مراسم حج خود را آماده سازند؛ در نتیجه از صحابه و اعراب اطراف مدینه خواستند تا همراه وی به طرف مکه برای ادای مراسم حج خارج شوند.
با توجه به اینکه ایشان احتمال می‌دادند کفار قریش مانع ورود آنان به مکه شوند با خودشان سلاح سبك (مخصوص سفر) حمل نمودند تا در صورت هرگونه هجوم از جانب کفار آمادگی لازم را داشته باشند؛ هنگامی که قریش از سفر پیامبرﷺ همراه هزار و چهارصد تن از صحابه خبردار شدند تصمیم گرفتند به هر نحو ممکن مانع ورود ایشان به

مکه شوند. زمانی که رسول اللهﷺ از تصمیم قریش برای جنگ و ممانعت ایشان از زیارت کعبه خبردار شدند عثمان رضی الله عنه را بسوی قریش فرستادند تا به آنان خبر دهد که ما برای جنگ نیامده‌ایم و نیز ایشان به عثمان رضی الله عنه فرمودند تا اهل مکه را به سوی اسلام فراخواند و آنان را به فتح و پیروزی بشارت بده! اما کفار قریش پس از شنیدن سخنان عثمان رضی الله عنه به توصیه پیامبرﷺ تن نداده و این صحابه گرانقدر را توقیف نمودند؛ با تاخیر عثمان رضی الله عنه در برگشت بسوی مسلمانان و شایعه قتل وی، پیامبر ﷺ از صحابه بیعت گرفتند که تا پای مرگ با ایشان پایدار بمانند و در جنگ با قریش فرار نکنند و صحابه نیز به ایشان بیعت دادند. این بیعت در قرآن کریم بیعت رضوان نامیده شده است.

کفار قریش با دیدن اراده قاطع مسلمانان برای ورود به مکه برای ادای مراسم حج، سفیران مختلفی را بسوی پیامبرﷺ فرستادند تا ایشان را به هر نحو ممکن از ورود به مکه منصرف کنند در نتیجه با فرستان سهیل بن عمرو بالاخره طرفین به صلح تن داده و پیامبرﷺ راضی شدند تا امسال به مدینه بازگشته و سال آینده برای ادای مراسم حج به مکه سفر کنند.

مفاد این صلح (صلح حدیبیه):

۱. اعلام آتش بس به مدت ۱۰ سال

۲. بازگشت مسلمانان به مدینه و به تعویق افتادن سفر حج برای سال آینده

۳. هر یك از فرزندان قریش که بدون اجازه ولی خود بسوی پیامبرﷺ هجرت کند او را به قریش بازگرداند و هر کس از مسلمانان به سوی قریش بازگردند به آنان اجازه ندهند که به سوی مسلمانان (مدینه) بازگردند.

٤. هر یك از قبائل عرب در بستن پیمان با پیامبرﷺ و یا قریش مختار هستند در نتیجه در صورت تجاوز هر یك از قبائل بر دیگری، هم‌پیمان آنان (یعنی مسلمانان یا قریش) جواب‌گو بوده و به معنای نقض این صلح شمرده خواهد شد؛ در نتیجه قبیله خزاعه با مسلمانان و بنی‌بکر با قریش هم‌پیمان شدند.

۱۹. غزوه ذو قَرَد (غابه)

سال ٦ هجری

مکان: ذو قرد حدود ۳۰ کیلومتری شمال شرق مدینه

هدف از این جنگ: باز پس‌گیری شتران رسول اللّهﷺ که توسط گروهی از قبیله غطفان به سرکردگی عُیَینه بن حصن الفزاری به غارت گرفته شدند؛ آنان به غارت شترها اکتفا ننموده و شتربان را به قتل رساندند و همسر او را نیز اسیر کردند.

نتیجه این نبرد:

یکی از نوجوانان اهل مدینه که شاهد این ماجرا بود فورا به سمت مدینه گریخت و در راه صحابی گرانقدر سلمه بن الأکوع را دید و او را از این حادثه باخبر نمود؛ سلمه رضی اللّه عنه بلافاصله بر بلندایی در اطراف مدینه، مردم را با فریادی بلند از حمله غارتگران باخبر ساخت و خود نیز برای مهار دشمن به سمت آنان گریخت.

پیامبر اکرمﷺ بلافاصله با پانصد نفر از یارانش به تعقیب دشمن پرداخت تا اینکه در دامنه کوهی در نزدیکی آب‌های ذی قرد، بر دشمن مسلط گردید و در نتیجه درگیری، برخی از آنان کشته و مسلمانان موفق شدند شتران را بازپس گیرند و آن زن اسیر نیز نجات پیدا کرد.

در این نبرد صحابی گرانقدر سلمه رضی اللّه عنه، با شهامتی ستودنی قبل از رسیدن پیامبر ﷺ و یارانش توانست برخی از دشمنان را با تیرکمان از پای درآورد و برخی از شتران را از آنان بازپس گیرد امری که سبب کند شدن حرکت دشمن و در نتیجه رسیدن مسلمانان به غارتگران بود.

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. شجاعت رسول اللّهﷺ به عنوان رهبر مسلمانان و شگرد وی در سرعت عمل و برنامه‌ریزی برای ضربه به دشمن

۲. قدرت و آمادگی مسلمانان برای دفاع از مدینه منوره و محافظت از آرامش و امنیت موجود در این شهر و حومه آن.

۳. اهمیت شجاعت فرد مسلمان در جنگ با دشمنان اسلام (رشادت‌های سلمه بن الأکوع،

یکی از مهم‌ترین سبب‌های کند نمودن سرعت دشمن و در نتیجه رسیدن لشکر مسلمانان به آنان بود.)

۲۰. غزوه خیبر

محرم سال ۷ هجری

علت این جنگ:

در سال چهارم هجری پس از آنکه پیامبر ﷺ یهودیان بنی‌نضیر را به سبب خیانت از مدینه بیرون راندند، برخی از سران آنان از جمله حیی بن اخطب، سلام بن ابی الحقیق و کنانه بن ابی الحقیق و... روانه خیبر شدند. آنان سال بعد به مکه رفتند و قریش را به جنگ با پیامبر ﷺ برانگیختند؛ به عبارتی دیگر خیبر مرکز آشوب‌های نظامی و تحریك منافقان و جنگ افروزی‌ها علیه مسلمانان بود بدین دلیل پس از صلح حدیبیه رسول الله ﷺ سال هفتم هجری با حدود یك هزار و چهارصد نفر از یارانش که در حدیبیه شرکت کرده بودند به سوی خیبر حرکت کردند.

دژهای خیبر:

خیبر از دو بخش تشکیل می‌شد:

قلعه‌هایی بزرگ شامل ۵ قلعه: ناعم، الصعب، الزبیر، أبیّ و النزار؛ سه قلعه اول در منطقه‌ای به نام "نطاة" و دو قلعه دیگر در منطقه‌ای به نام "شقّ" قرار داشتند.

بخش دوم معروف به کتیبه، دارای سه قلعه مستحکم بود قموص، وطیح، سلالم، علاوه بر این قلعه‌ها در خیبر قلعه‌های کوچك‌تری نیز وجود داشتند که به اهمیت قلعه‌های ذکر شده نبودند.

نتیجه این جنگ:

یهودیان با مقاومتی شدید در قلعه‌های مذکور سعی داشتند در برابر اراده و عزیمت مسلمانان تسلیم نشوند اما اراده خداوند چنین بود که مسلمانان قلعه‌ها را یکی پس از دیگری فتح کنند تا اینکه یهودیان خیبر تسلیم امر رسول الله ﷺ شده و از وی خواستند به آنان اجازه داده تا برای حفظ جانشان از خیبر خارج شوند و تمامی دارایی خود را (مزارع، طلا و نقره و...) بجای بگذارند ایشان نیز با رضایت بر این امر تصمیم گرفت آنان را از خیبر

اخراج نماید و بدین وسیله این جنگ با پیروزی مسلمانان خاتمه یافت؛ اما یهودیان خیبر هنگامی که هیچ چاره‌ای جز خروج از خیبر در مقابل خود ندیدند به پیامبرﷺ پیشنهاد دادند تا در سرزمین خود باقی بمانند و محصول مزارع و میوه‌های خود را با مسلمانان نصف کنند و پیامبرﷺ با وجود تمامی دسیسه‌های یهود بر علیه دولت اسلام در مدینه منوره، به این امر رضایت دادند.

همزمان با محاصره خیبر (قبل از پایان جنگ)، رسول اللّهﷺ "محیصه بن مسعود رضی اللّه عنه را نزد یهودیان "فدك" فرستاده بودند تا آنان را به سوی اسلام فراخوانند اما آنان از پذیرش اسلام سرباز زدند؛ با شنیدن فتح خیبر و تعامل پیامبرﷺ با یهودیان، آنان نیز به رسول اللّهﷺ پیشنهاد دادند تا با آنان همانند ساکنان خیبر تعامل کند و به آنان اجازه دهد تا در دیار خود باقی بمانند و در عوض نصف برداشت محصولات زراعی را به ایشانﷺ پرداخت کنند؛ بدین ترتیب یهودیان شبه جزیره عرب در برابر دولت اسلامی مدینه تسلیم شدند.

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. اهمیت دادن پیامبرﷺ به سری و محرمانه نگه‌داشتن جنگ‌ها و ماموریت‌های مهم؛ تا بتواند دشمن را غافلگیر کند و به آنان فرصت ندهد خود را برای عکس العملی مناسب آماده سازند (ایشان، مسیر حقیقی لشکر خود را پنهان نگه داشت تا اینکه یهودیان خیبر با رسیدن سپاه اسلام بسیار غافلگیر شدند.)

۲. کینه شدید یهودیان در طول تاریخ در حق مسلمانان و تلاش برای نابودی اسلام؛ یهودیان، مهم‌ترین عامل شعله‌ور کردن جنگ احزاب بودند.

۳. محکم شدن پایه‌های نظامی و سپس سیاسی دولت اسلامی مدینه در شبه جزیره عرب.

٤. رشد اقتصاد و افزایش درآمد مسلمانان در اثر غنایم جنگی خیبر

٥. تضعیف جبهه نفاق؛ جبهه یهود عامل اصلی تحریك منافقین در مدینه منوره بشمار می‌رفت.

۲۱. غزوه ذات الرقاع

ماه شوال سال ۵ هجری

مکان: وادی نخل (اقامتگاه برخی از قبائل بادیه نشین عرب)

دلیل این جنگ: حمله به تجمع قبائل (بنی انمار، بنی ثعلبه و بنی محارب) که در صدد شبیخون به مدینه منوره بودند.

نتیجه این جنگ: پس از شنیدن خبر توطئه و تجمع برخی از قبائل عرب علیه مسلمانان مدینه، رسول الله ﷺ همراه ٤٠٠ (و یا ٧٠٠) نفر از صحابه، برای خاموش کردن این فتنه و آشوب از مدینه خارج شدند؛ با پیمودن فاصله دو روز، و نزدیك شدن لشکر اسلام به برخی از قبائل دشمن در "وادی نخل"، سپاه دشمن هراسان شد اما کار به جنگ ختم نگردید و در نتیجه تجمع دشمن از هم گسیخته و پا به فرار نهادند و رسول الله ﷺ بدون جنگ به مدینه منوره بازگشتند.

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. خاموش کردن فتنه اعراب بادیه‌نشین و گسترش امنیت در شبه جزیره عرب (قبائل بادیه نشین، مصدر رعب و وحشت و شبیخون به رهگذران و کاروان‌های تجاری و حتی هجوم به دیگر قبائل بودند.)

۲. ایثار و فداکاری صحابه و تحمل سختی‌های طاقت‌فرسا در راه حفظ و ابلاغ دین مبین اسلام.

۳. عنایت پروردگار در حق مسلمانان و مجاهدان اسلام؛ با وجود مسافت بسیار زیاد این غزوه، تعداد زیاد دشمن و تعداد بسیار اندك مسلمانان، استقرار آنان در سرزمین خویش و تجربه جنگی این قبائل، اما ترس و عقب‌نشینی آنان نشانگر الطاف الهی در حق صحابه و حفظ و سربلندی این دین می‌باشد.

۲۲. غزوه فتح مکه

سال ۸ هجری ماه رمضان

دلیل این جنگ: نقض پیمان حدیبیه از سوی قریش؛ در سال ۸ هجری با هجوم قبیله بنی بکر به قبیله خزاعه، قریش هم‌پیمان خود یعنی بنی‌بکر را با دادن سلاح به آنان، بر ضد خزاعه (هم‌پیمانان رسول الله ﷺ در صلح حدیبیه) یاری دادند؛ در نتیجه عمرو بن سالم الخزاعی با گروهی از قبیله خود به نزد رسول الله ﷺ شتافتند و ایشان را از ماجرا جویا ساخته و از ایشان درخواست کمك کردند؛ پس از آگاهی رسول الله ﷺ از خیانت قریش، ابوسفیان به نمایندگی از آنان با سفر به مدینه بسیار تلاش کرد تا پیامبر ﷺ برای تجدید این پیمان راضی کند اما تلاش وی سودی نداشت.

خروج برای فتحی بزرگ و تاریخی:

پس از مستحکم شدن پایه‌های قدرت دولت اسلامی مدینه با رهبری رسول الله ﷺ و ایجاد ثبات و امنیت در مدینه و بخش‌های وسیعی از شبه جزیره عرب، اینك زمان محقق شدن وعده الهی است؛ امری که مقدمه‌های آن در صلح حدیبیه برای پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ آشکار شده بود.

ایشان در سال ۸ هجری و در ماه مبارك رمضان همراه با ۱۰ هزار تن از صحابه گرانقدرشان در کمال پنهان‌کاری برای فتحی بزرگ و تاریخی رهسپار مکه شدند؛ تا اینکه سپاه مسلمین به منطقه "مر الظهران" نزدیکی مکه رسیدند و در آنجا خیمه زدند.

رسول الله ﷺ دستور دادند صحابه شعله‌های انبوهی از آتش روشن کنند که در نتیجه آن مردم مکه دریافتند سپاهی بزرگی در نزدیکی مکه فرود آمده است امری که سبب وحشت و غافلگیری آنان شد.

در نتیجه ابو سفیان رضی الله عنه فرمانده قریش با رفتن به نزد پیامبر اسلام ﷺ تسلیم شده و به ندای اسلام لبیك گفت و ایمان آورد.

در نتیجه پیامبر اسلام ﷺ با دادن امان به اهل مکه و بخشش آنان، در حالت خشوع و خضوع هر چه تمام وارد مکه مکرمه شدند و وعده الهی به تحقیق پیوست و بدین‌گونه

دین اسلام وارد مرحله‌ای دیگر از مراحل تاریخی‌اش شد.

مهم‌ترین درس‌های فتح مکه:

۱. همت و تلاش بی‌وقفه پیامبر اسلام ﷺ و یارانش در راه رسیدن به هدف، یقین داشتن به تحقق وعده الهی و عدم یأس و ناامیدی.

۲. وفای به عهد؛ در هیچ یك از مراحل سیره پیامبر ﷺ ایشان و یارانش عهد شکن نبوده اند بلکه همیشه کفار (یهود و کافران قریش) پیمانشان را شکسته‌اند.

۳. رحمت اسلام در حق تمامی بشر؛ با وجود دشمنی و عداوت قریش و اهل مکه در حق مسلمانان و بویژه پیامبر ﷺ و با وجود توانایی بر انتقام، اما ایشان دست به انتقام نزدند و به اهل مکه امان داده و آنان را بخشیدند.

٤. درایت و حکمت سیاسی پیامبر ﷺ در اداره جنگ؛ ایشان به تدریج توانستند تمام دشمنان دین را ضعیف کرده و شکست دهند.

٥. اهمیت پیمودن راه جهاد برای سرافرازی و پیروزی اسلام

۲۳. غزوه حنین

سال ۸ هجری ماه شوال

مکان: حنین (مکانی بین مکه و طائف)

دلیل این جنگ: پس از انتشار خبر فتح مکه و اسلام آوردن برخی از قبائل و بیعت آنان به دولت نوپا و قدرتمند اسلام، مالك بن عوف رهبر قبیله هوازن (یکی از بزرگترین قبائل شبه جزیره عرب در جهت شرقی مکه) تصمیم گرفت برخی از قبائل دیگر همچون ثقیف، مضر و...برای هجوم به مکه مکرمه دور هم گرد آورد. هنگامی که رسول الله ﷺ این خبر را شنید، ارتش اسلامی را که بسیاری از تازه مسلمانان مکه نیز در آن مشارکت داشتند برای سرکوب این توطئه مجهز نمود.

نتیجه این جنگ:

رسول الله ﷺ با ۱۲ هزار جنگجو راهی مکان نبرد با بزرگ‌ترین قبائل مشرك شد؛ تعداد انبوه جنگجویان مسلمان سبب شد برخی بگویند ما امروز بخاطر "انبوه نفرات" شکست

نخواهیم خورد. با نزدیك شدن مسلمانان به حنین، ناگهان کمینی سخت از سوی سپاه قبیله هوازن آنان را غافلگیر کرد که در نتیجه آن، بسیاری از مسلمانان فرار کردند؛ پیامبر ﷺ با دیدن این واقعه ناگوار، با صدایی بلند صحابه را یادآور حقیقت رسالت خویش ساخت و از عباس عموی خویش خواستند که آنان را با کلمه "یاران بدر" به فریاد بخواند؛ با برگشت صحابه به صحنه نبرد و شعله‌ور شدن هر چه بیشتر آتش جنگ و نازل شدن ملائکه برای یاری لشکر اسلام، سپاه انبوه دشمن از هم فرو پاشید و باری دیگر لشکر اسلام غالب و پیروز شد؛ در نتیجه پیروزی در این جنگ، مسلمانان غنایم بسیار انبوهی بدست آوردند.

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. آمادگی همیشه مسلمانان برای مبارزه با تهدیدات دشمن؛ (با وجود خوشحالی فتح مکه، مسلمانان هرگز از توطئه‌های دشمن غافل نبودند.)

۲. تنها پروردگار است که اسلام را با تاییدش یاری می‌دهد نه تعداد انبوه آنان؛ به عبارتی دیگر افزایش عدد و امکانات وسیله‌ای برای پیروزیست اما توفیق عمل، از جانب اللّه متعال است. (پرورگار متعال مسلمانان را بخاطر جمله "ما امروز بخاطر انبوه عددمان شکست نخواهیم خورد" توبیخ نمود؛ آیه ۲۵ سوره توبه.)

۳. اهمیت استقامت رهبران اسلام در برابر توطئه‌های دشمن؛ تا اینکه عموم مسلمانان نیز به آنان اقتدا کرده و در برابر سختی‌ها تسلیم نشوند. (پایداری رسول اللّه ﷺ در این جنگ بعنوان رهبر اسلام سبب بازگشت و پایداری تمامی مسلمانان بود.)

٤. پیروزی در یك و یا چند جنگ به معنای پیروزی همیشه نیست؛ (باید همواره برای نبرد اسلام با کفر آماده بود زیرا این سنت [مبارزه حق و باطل] همواره ادامه خواهد داشت.)

۵. گسترش هر چه بیشتر دامنه اسلام در شبه جزیره عرب.

۲٤. غزوه طائف

ماه شوال سال ۸ هجری

مکان: شهر طائف

دلیل این نبرد: تعقیب فراری‌های قبیله ثقیف و هوازن در جنگ حنین به منظور جلوگیری از

توطئه آنان در آینده؛ بسیاری از جنگجویان این دو قبیله در جنگ حنین بعد از فرار و عقب نشینی به شهر طائف پناه بردند.

نتیجه این نبرد:

با فرمان رسولﷺ مسلمانان به دروازه‌های شهر طائف رسیدند؛ مردم این شهر که از قبایل ثقیف بودند مردمی ثروتمند و جنگ‌جو که قلعه‌های محکمی داشتند و چون از ورود سپاهیان اسلام مطلع شدند از بالای برج‌ها شروع به تیراندازی به سوی لشکر اسلام نمودند که در نتیجه آن دوازده نفر از مسلمانان در اثر تیرهای دشمن به شهادت رسیدند، از این رو پیامبر اسلامﷺ دستور دادند لشکریان عقب‌نشینی کنند و اردوگاه خود را در جایی که از تیررس دشمن دورتر بود قرار دهند.

محاصره قلعه‌های مزبور بیش از بیست روز طول کشید و چون آذوقه فراوان در شهر و قلعه‌ها اندوخته شده بود و دیوار و برج آنان نیز محکم بود مسلمانان موفق به فتح شهر طائف نشدند.

در این جنگ مسلمانان از منجنیق و "تانك چوبی" نیز استفاده کردند اما قلعه‌داران ثقیف با ریختن آهن‌های گداخته و مفتول‌های آتشین بر روی تانك چوبی و سپرهای جنگی (شبیه به نفربرهای امروزی) از پیشروی سربازان اسلام به سوی قلعه‌ها جلوگیری نموده و آنها را به عقب‌نشینی ناچار می‌ساختند.

محاصره طائف نزدیك چهل روز طول کشید پیامبرﷺ با هدف تسلیم شدن دشمن اعلام کرد هر کس از حصار بیرون آید در امان است، به این امید که افرادی تسلیم شوند و با تضعیف روحیه دشمن، بقیه آنان نیز تسلیم شوند و جنگ پایان یابد اما بیش از (۱۰ الی ۲۰) نفر کسی تسلیم نشد و تسلیم شدگان به پیامبرﷺ گزارش دادند که آذوقه بسیاری در انبارها ذخیره شده و قبایل ثقیف تصمیم به مقاومت زیادی گرفته‌اند.

در نتیجه رسول اللّهﷺ دستور دادند لشکریان اسلام در حال خواندن این ذکر، به مدینه منور بازگردند: (بازگشتگان، توبه‌کنان، عبادت‌کنان، سپاسگزاران خداوند خود هستیم)؛ در طول راه برخی از یاران پیامبرﷺ از ایشان خواستند بر علیه ثقیف دعا کنند ایشان فرمودند: "بارالها قبیله ثقیف را هدایت و آنان را مسلمان گردان."

مهم‌ترین درس‌های این جنگ:

۱. ترس قبائل بزرگی همچون ثقیف و هوازن از لشکر اسلام، به معنای قدرت و اقتدار مسلمانان در شبه جزیره عرب بود.

۲. درایت رسول اللهﷺ در اداره جنگ؛ اقدام به ساخت منجنیق و تانك (چوبی) برای پیشروی، امری بی‌سابقه در شبه جزیره عرب قلمداد می‌شد.

۳. پیروزی فقط با توفیق خداوند است؛ چه بسا خداوند بنا بر حکمتش، پیروزی را به تاخیر اندازد.

٤. رأفت و رحمت پیامبرﷺ در حق بشریت؛ با وجود سختی این جنگ و خستگی مسلمانان، ایشان بجای نفرین، در حق ثقیف دعای خیر نموده و خواستار هدایت آنان شدند.

۲۵. غزوه تبوك

ماه رجب سال ۹ هجری

مکان جنگ: تبوك (۷۰۰ کیلومتری شمال مدینه)

دلیل این نبرد: هنگامی که خبر قدرت‌گیری دولت اسلام در شبه جزیزه عرب به امپراطوری رم رسید، دولتمردان رم در سرزمین شام بر آن شدند تا سپاهی (٤۰ هزار نفری) را برای از بین بردن این دولت جدید روانه عربستان کنند. پیامبرﷺ با شنیدن این خبر به صحابه گرامی رضی الله عنهم دستور دادند تا خود را برای راهی طولانی و نبردی سخت مجهز سازند؛ در نتیجه ایشانﷺ به همراه ۳۰ هزار تن از صحابه (بزرگترین لشکر اسلامی تا آن لحظه) به سوی "تبوك" حرکت کردند تا حرکت دشمن را در فاصله بسیار دور از مدینه خنثی سازند.

نتیجه این نبرد:

با وجود اینکه مسلمانان راهی سخت و طاقت‌فرسا را پیموده و به تبوك رسیدند اما لشکر رم و هم‌پیمانان عربِ آنان در شبه جزیره، از مواجهه با سپاه اسلام سرباز زدند و مواضع خود (در دومۀ الجندل و إیله) را ترك گفته و به سوی شام فرار کردند؛ در نتیجه این نبرد به عنوان آخرین غزوه پیامبرﷺ نتایج پرباری برای مسلمانان به بار آورد.

مهم‌ترین درس‌های این نبرد:

۱. فداکاری مسلمانان و تحمل سختی فراوان بخاطر اجابت دعوت خداوند و رسول اوﷺ در مسیر جهاد در راه خداوند و رساندن دین به بشریت؛ (بدلیل سختی راه، کمی آذوقه و گرمای شدید، رسول اللّهﷺ برخلاف نبردهای گذشته، مقصد حرکتشان را برای صحابه مشخص نمودند.)

۲. از بین رفتن هیبت و شکوه امپراطوری رم بعنوان ابر قدرت آن عصر، در دل مسلمانان؛ امری که زمینه فتوحات اسلامی را بعد از وفات رسول اللّهﷺ فراهم نمود.

۳. دولت اسلامی در شبه جزیره عرب به عنوان قدرت واحد و یکه‌تاز شناخته شد؛ دولتی که قابلیت دفاع از خود در برابر قدرت‌های جهانی (فارس و رم) را دارا بوده و در آینده نه چندان دور آنان را شکست خواهد داد.

٤. بسیاری از قبائل عرب در شمال این شبه جزیره به حکومت اسلام ملحق شده و زیر حکم پیامبر عظیم الشان اسلامﷺ دور یکدیگر گرد آمدند.

پایان

والحمد للّه رب العالمین